



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۵ ■ ۲۲ آبان ۱۳۹۹

نوجوانان
جامعه



فاطمه کریمی

در این شماره، فاطمه کریمی با ما گفتگو می‌کند. او دانشجوی رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران است. در این گفتگو، او دربارهٔ تجربیاتش در زمینهٔ نویسندگی و فعالیت‌های فرهنگی در میان دانشجویان صحبت می‌کند. فاطمه همچنین به موضوعات مرتبط با هویت و ارزش‌های فرهنگی در جامعهٔ امروز می‌پردازد.



گفت‌وگو با مهدی دادجو، مدیرگروه کتاب رادیو فرهنگ درباره نوجوانی و کتاب

برای کتاب جاباز کنیم

نزدیک به دو هفته پیش از دکتر دادجو وقت گرفتیم ولی هر موقع می‌خواستیم این طلسم مصاحبه روبشکنم یا کار داشتن، یا درگیر پروژه بودن عاقبت این مصاحبه افتاد تو هفته کتاب، اتفاقاً جالبی ماجرا این بود که ایشون مدیر بخش تخصصی کتاب در سازمان صداوسیما هستن. بهمانند که از حواس پرتی راه رو اشتباه رفتم و در سرها کشیدم تا به محل مصاحبه برسم اما با تمام مصائب وارد شده این مصاحبه با شکل و شمایل خاصش ارزش خوندن داره.

چرا اکثر نویسندگان زبان نوجوان رو بلد نیستن؟

به نظر من این طور نیست چون نویسندگان خودشان یک دوره‌ای نوجوون بودند و قطعاً خیلی بهتر و با درک بیشتری دنیای یک نوجوان رو درک میکنن. چون وقتی مخاطب ما نوجوان باشه خیلی راحت ترمیشه صحبت کرد. دقیقاً مثل آثار آقای هوشنگ مرادی کرمانی، ناصر کشاورز، شهرام شفیعی، امیرحسین فردی، افسانه شعبان نژاد و البته استاد مصطفی رحماندوست که آثار زیاری رو برای نوجوانان به صورت شعر و داستان ارائه کرده و جالب بدوینید ترجمه هم شده و البته زنده یاد منوچهر احترامی عزیز با قلم طنز و جذابش بسیار در حوزه نوجوان فعالیت داشته و حتی بیشترین آثارش در حوزه نوجوان بوده که با استقبال زیادی رو به روشد و سرآمد همه کسانی که برای حوزه نوجوانان نوشتند زنده یاد مهدی آذریزدی که مجموعه بی نظیر قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب رو به یادگار گذاشته که بسیار زیاد با موج استقبال بی نظیری رو به روشد.

پاورقی: حرف آقای دادجو متین، ولی واقعا اکثر مثال‌هایی که زدن در مورد نویسندگان هیچی بود که برای نسل‌های گذشته قلم جذابی داشتن. باید قبول کنیم که نسل جدید زبان متفاوتی پیدا کرده و شاید برای همین هم باشه که خیلی سمت کتاب و مطالعه غیردرسی نمیان.

چرا موضوعاتی مثل عشق، بلوغ و خیلی مسائل مهم نوجوون‌ها توی کتاب‌های این رده سنی خالیه؟

به نظر من برای نوجوانان به خصوص در کارهای داستانی، مسائلی از جمله بلوغ پرداخته شده و همچنین در مان‌ها این مسائل بیشتر و بهتر لحاظ میشه. آثار کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان بر این اساس حتی نوشته میشه چون کار کانون، پرورش فکر کودکان و نوجوانان است، پرورش یعنی پاسخ به مسائل بلوغه و نویسنده رمز



اگر من مهدی دادجو به عنوان متولی کتاب در رسانه ملی، سیاست گذار کشوری بودم یارانه ویژه‌ای برای کتاب اختصاص می‌دادم به خصوص در حوزه نوجوان و کتاب رو در خانواده‌ها حتی به صورت رایگان ارائه می‌کردم و سعی می‌کردم راهکارهای جالبی ارائه کنم تا بلکه این حرکت بزرگ اتفاق بیفته

اما رسانه ملی برای جبران این خسران به صورت کاملاً رایگان کتاب‌های صوتی با بهترین کیفیت تولید کرده که توسط صداهای خوب در اختیار مردم گذاشته شده. این کتاب‌های صوتی می‌تونه جایگزین خوبی برای کتاب‌های کاغذی باشه که هم وقت بیشتری می‌گیره هم هزینه بالاتری داره. تازه هر زمانی هم که بخوان می‌تونن از اون استفاده کنن و لذت ببرن.

در خصوص افزایش مطالعه نوجوون‌ها گره کار کجاست؟

انتشارات، وزارت ارشاد، خود نویسندگان؟

گره کار این که عموم جامعه به ویژه خود نوجوون‌ها به سمت کتاب نرفتن، بدون شک فرهنگه. وقتی خانواده‌ای عادت به مطالعه در درونش نهادینه نشده باشه انتظاری از نوجوون و جوون هم نمیشه داشت. جالبه بدوینین روان‌شناسان معتقدن آگه پدر و مادر کتاب دستشون باشه و مطالعه کنن، کودک هم به مرور زمان علاقه مند می‌شه و دوست داره کتاب دستش باشه و بازی کنه حتی آگه سرد در نیاره. البته در تربیت دینی هم همین رو داریم. پدر و مادری که خودشون اعمال و فرآیند دینی رو انجام می‌دن، بدون این که به فرزندشون امر کنن که واجبات یا مستحبات رو انجام بده، خود فرزند گرایش پیدا می‌کنه. در حوزه کتابخوانی و هر گرایش فرهنگی دیگه اولین نهادی که کمک می‌کنه به جریان‌سازی در اون موضوع، خانواده است.

به نظرتون الان خانواده‌ها شرایط خرید کتاب و دارن؟

نکته مهمیه. خانواده خب باید توان اقتصادی داشته باشه که کتاب‌های لازم رو تهیه کنه. اما اینجا مجموعه عوامل دست به دست هم میدن. به بخشش دولته که باید کمک کنه که یارانه کتاب بیشتر بشه و بخش دوم نشرها باید همت کنن که هزینه تولید کمی کاهش پیدا کنه و همچنین قیمت کتاب قدری پایین بیاد. اگر من مهدی دادجو به عنوان متولی کتاب در رسانه ملی، سیاست گذار کشوری بودم یارانه ویژه‌ای برای کتاب اختصاص می‌دادم به خصوص در حوزه نوجوان و کتاب رو در خانواده‌ها حتی به صورت رایگان ارائه می‌کردم و سعی می‌کردم راهکارهای جالبی ارائه کنم تا بلکه این حرکت بزرگ اتفاق بیفته.

به کم فضا نامید کننده شده. کاش خبر خوبی هم در این زمینه وجود داشت.

اتفاقاً یک خبر خیلی خوب بگم به زودی مسابقه‌ای با نوعی بسیار متفاوت به عنوان کتابستان از رادیو فرهنگ پخش خواهد شد. ما تمام هدفمون اینه که بتونیم کمی فرهنگ کتابخوانی رو در بین خانواده‌ها رواج بدیم. این مسابقه به صورت زنده از سی‌ام آبان ماه از آنتن شبکه رادیویی فرهنگ پخش می‌شه. این مسابقه از دل خانواده برمیاد با کتاب‌هایی که همراه دارن مسابقه برگزار می‌کنیم. البته برای هفته کتاب، یک پویش هم با عنوان «نذر کتاب» با همکاری بسیج دانشجویی و مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران در سراسر کشور راه‌اندازی کردیم. به این صورت که هر فردی که در توانش است کتاب‌هایی را خریداری می‌کنه یا کتابی را که لازم نداره به دفاتر صداوسیما می‌رسونه و تحویل می‌ده و توزیع هم از همونجا انجام می‌شه.

پاورقی: خدا رو شکر بابات این خبرها و انصافا دمشون گرم. راستی شما توی این پویش شرکت می‌کنین؟

پاورقی: بچه‌ها شما چندتا رمان برای نوجوون دیده یا مطالعه کردین با این جنس موضوعات. البته شاید هستن ولی تبلیغ درستی نمیشن که ما هم ازشون با خبر بشیم!

سیستم آموزشی ما همه رو برای ورود به دانشگاه ترغیب می‌کنه و دیگه نوجوون فرصتی برای مطالعه کتاب درسی نداره، نظر شما چیه؟

دانش آموزان و دانشجویان، تمایلشون بیشتر به سمت مهارت رفته و دوست دارن یک مهارتی رو یاد بگیرن و بتونن مهارتی که یاد گرفتن رو به بهترین شکل ممکن ارائه کنن تا همین مهارت پلی باشه برای آینده شغلیشون. گزینه دانشگاه هم خیلی پیش چشم نوجوون‌ها بزرگ و مهم جلوه داده میشه، ولی باز هم به نظر فرصت برای مطالعه غیر درسی وجود داره. نوجوونی که ساعت‌ها سمت فضای مجازی رفته پس حتماً می‌تونه از همین فرصت‌ها بزنه و فرصت مطالعه کتاب پیدا کنه. این که میزان مطالعه توی این قشر پائینه به بحث فرهنگ‌سازی بر می‌گرده. این فرهنگ اول باید در خانواده‌ها شکل بگیره و جا بیفته که کتاب جزو مهمی از سبک خانوارشون باشه.

شرایط اقتصادی چه تأثیری در جامعه گذاشته؟ قبول دارید اولین چیزی که در این شرایط مالی از سبک کالای خانواده‌ها حذف میشه کتابه؟

وقتی شرایط اقتصادی نابسامان باشه بدیهه که معیشت خانواده‌ها دچار مشکل بشه، خانواده‌ها توان هر چیزی رو کمتر دارن و باید برای هر چیزی هزینه کنن. چیزی مثل کتاب که متأسفانه به عنوان نیازهای اولیه احساس نمی‌شه و به هر حال بنا به پایه‌های فرهنگی حذف و طبعاً به مسائل دیگه‌ای مثل خوراک و پوشاک پرداخته می‌شه.